

تأثیر تهدیدات محیطی - راهبردی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مصطفی کدخدایی^۱، شهرام عسکری حنن^۲

چکیده

سیاست خارجی ابزاری راهبردی جهت تامین اهداف ملی کشورها در محیط بین‌المللی به‌شمار می‌آید، و از منظر کلاسیک در راستای تامین اهداف پیوسته امنیتی و اقتصادی گام بر می‌دارد. حفظ بقاء راهبردی کشور بدلائل وجود تهدیدات موجود نسبت به توسعه اقتصادی همواره هدفی سهل‌تر برای نخبگان سیاست خارجی کشورها بوده است. تهدیدات گسترده محیطی اصلی‌ترین ضرورتی است که امنیت‌سازی و امنیت‌محوری را در صدر اهداف سیاست خارجی کشورها قرار داده است. پیچیدگی و معمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ناشی از حجم تهدیداتی است که در تعارض با امنیت ملی عمل می‌کنند. موازنه‌سازی در برابر تهدیدات نشان از گرایش بیشتر سیاست خارجی بر امنیت‌محوری است. یافته‌های مقاله بر این مبناست، در شرایطی که تهدیدات امنیتی دائماً علیه ج.ا.ایران افزایش می‌یابد حساسیت مسائل امنیتی به شکلی فزاینده در سیاست خارجی پررنگ‌تر شده و ضرورتاً سمت و سوی سیاست خارجی ماهیت امنیت‌محوری پیدا کرده است. با توجه به تهدیدات سه سطحی «ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» که در تعارض شدید با امنیت ملی کشور قرار دارند، سیاست خارجی کشور اجباری راهبردی در مقابل دفع این تهدیدات فوری دارد. سیاست خارجی ایران در راستای تامین دو هدف اقتصادی و امنیتی به اجبار ارتقا ضریب توان دفاعی-امنیتی را هدف اصلی و فوری قرار داده است. این پدیده به معنای اهمیت فزاینده امنیت نسبت به توسعه در شرایط خاص سیاست خارجی است و به معنای نادیده انگاشتن رشد اقتصادی و توسعه نیست. تمرکز مقاله حاضر بر شناسایی تهدیدات سه سطحی بعنوان عوامل اصلی گرایش سیاست خارجی بر امنیت‌جویی راهبردی است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، تهدیدات استراتژیک، امنیت ملی، امنیت‌محوری، توسعه‌محوری

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان

shahram.askari1989@gmail.com

مقدمه

سیاست خارجی که شامل تنظیم و نیز اجرا و همچنین خود محصول و نتیجه تصمیمات بشمار می‌رود. راهنمایی است برای اقداماتی که یک دولت در ورای مرزهای خویش به منظور پیشبرد اهداف در رابطه با بازیگران حکومتی و غیرحکومتی به عمل می‌آورد (قوام، ۱۳۹۰: ۲۳۱). سیاست خارجی مهمترین وجه زندگی سیاسی ملت‌ها و اصلی‌ترین کارکرد کشورها در روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رود. چون حیات و بقا ملت‌ها و دولت‌ها به سیاست خارجی بستگی دارد. اهمیت و ضرورت سیاست خارجی به اندازه‌ای است که برخی آن را مترادف روابط بین‌الملل بکار می‌برند. سیاست خارجی در کانون روابط بین‌الملل قرار دارد و یکی از مهم‌ترین ابعاد و موضوعات آن است. دولت‌ها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و نیز تحت تاثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را به منظور تامین هدف‌ها و منافع ملی خویش بر می‌گزینند (قوام، ۱۳۹۲: ۱۵۸-۱۵۷). مهمترین هدف کشورها در نظام بین‌الملل تضمین بقا و ادامه حیات است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۶). سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طراحی‌شده توسط تصمیم‌گیران حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهداف معین در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌الملل است. سیاست خارجی تمام کشورها با هم متفاوت است چون منابع ملی، فرصت‌ها و تهدیدها، ژئوپلیتیک منطقه‌ای و نوع ارتباط کشورها بعنوان کارگزار با ساختار جهانی متنوع و گوناگون است. کشورها بعنوان بازیگران مسلط در عرصه روابط و سیاست بین‌الملل همواره نیازمند کنشگری و فعالیت هستند. با این هدف که منابع مورد نیاز برای تولید قدرت و ارتقاء امنیت ملی کشور را در بیرون از مرزهای ملی تامین کنند. سیاست خارجی در معنای کلاسیک آن به معنای ایجاد روابط خارجی روشمند و هدفمند با بازیگران دولتی و رسمی در محیط بین‌المللی با هدف کسب امنیت و رفاه برای شهروندان است که این اهداف باید بصورت دوسویه و موازی زیربنا و چهارچوب سیاست خارجی را شکل بدهند. اقتضات محیطی، فشارها و تهدیدات خارجی تحت شرایطی بصورت اجبارآمیز و تحمیلی مسیر سیاست خارجی را بصورت نامتوازن شکل می‌دهند و سیاست خارجی گرایش بیشتری به سمت امنیت‌محوری پیدا می‌کند. توسعه-محوری و افزایش روابط و مبادلات اقتصادی در کنار ارتقاء امنیت ملی و بازدارندگی دفاعی-امنیتی همواره از اهداف بنیادین جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره و در طی ادوار گذشته دارای جهت‌گیری موثر، بهینه و امنیت‌ساز در عرصه بین‌الملل بوده است و نخبگان سیاسی و امنیتی بصورت هماهنگ دو مقوله امنیت اقتصادی و امنیت نظامی را پیگیری کرده‌اند. در این راستا فارغ از اراده و خواست نخبگان سیاسی-امنیتی مسائلی خارج از اراده نخبگان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز کشور بوجود می‌آید. که لاجرم جهت‌گیری سیاست خارجی را از مسیر اولیه موازی و همسو در دو بعد اقتصاد و امنیت خارج می‌کند، کسب و ارتقا مسائل امنیتی بر مسائل اقتصادی و

توسعه‌محوری غلبه می‌یابد ... جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. کسب دانش، تکنولوژی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی همواره دغدغه سیاست خارجی کشور بوده است و با رویه مستمر ادامه دارد که این موارد را می‌توان در قالب اهداف اقتصادی یا توسعه‌محوری در سیاست خارجی نامید.

یکی از تکنیک‌های موثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدف‌ها و تامین منافع ملی ملی، استفاده از ابزاری‌های اقتصادی، مالی، تجاری و فناوری است (قوام، پیشین: ۲۱۷). بطور کلی راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر تقویت قدرت ملی براساس توازن بر دو بعد قرار دارد. از یکسو همکاری برای رشد و توسعه اقتصادی و از سوی دیگر ایجاد بازدارندگی و امنیت پایدار برای کشور است. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی با داشتن ۱۵ همسایه در ارتباط با چهار منطقه پرحادثه و حساس آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شرق مدیترانه و آسیای جنوب غربی، قرار گرفته است از اینرو رخدادهای سیاسی و امنیتی در هریک از این حوزه‌های جغرافیایی می‌تواند بر امنیت ملی ایران تاثیرگذار باشد (هاشمی، ۱۳۹۸). مهمترین علل تعیین کننده اولویت و اهمیت یافتن انگیزه امنیت‌طلبی هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحولات و تهدیدات پس از انقلاب اسلامی است. در سطح منطقه‌ای نه تنها کشورهای رقیب جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یک کنشگر نپذیرفتند بلکه به مقابله و مبارزه با آن پرداختند. در سطح جهان اسلام

هویت انقلابی ایران باعث شد تا جبهه‌ای از رژیم‌های محافظه‌کار غیرانقلابی روبرو شود. در سطح جهانی نیز ۲۹ هویت انقلابی و اسلامی ایران موجب شد تا نظام بین‌الملل محافظه‌کار هویت جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یک قدرت منطقه‌ای به رسمیت نشناسد. جمهوری اسلامی ایران تلاش گسترده‌ای انجام داده است تا از روند سیاست خارجی کشور امنیت‌زدایی کند. با اتخاذ نوعی رویکرد بهینه‌سازی تمرکز و هدف سیاست خارجی را در قالب کسب منافع اقتصادی در کنار منافع امنیتی پیگیری و اجرا کند. تا نیازهای کشور را بطور همه‌جانبه در مسائل نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... تامین کند. از ضرورت‌های جهان امروز است که کشورها با پویایی و تحرک در عرصه سیاست خارجی و تعامل با محیط جهانی به شرایط اقتصادی و امنیتی کشور استحکام پایدار ببخشند. سیاست خارجی به مجموعه‌ای از ابزارها، امکانات و روش‌هایی اطلاق می‌شود که کشورها برای کسب منافع ملی در روابط و مبادلات بین‌المللی از آن بهره می‌گیرند که معمولاً از بین ۴ نوع جهت‌گیری سیاست خارجی شامل انزواگرایی، عدم تعهد، ایجاد ائتلاف و تشکیل اتحاد، از بین موارد مطرح ج.ا.ایران استراتژی روشمند عدم تعهد در قالب اصل نه شرقی و نه غربی را برگزیده است. این موارد به معنای فعالیت حداکثری نخبگان سیاسی امنیتی کشور در راستای تامین منافع نظامی و اقتصادی بعنوان پایه‌های اصلی و اهداف کلان سیاست خارجی کشور هستند. موضوع بحث نگارنده باتوجه به موارد مطرح شده در تحقیق پیش‌رو، پاسخ به این سوال است که چه دلایلی باعث شده تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سمت و سوی امنیتی به خود بگیرد؟ عدم پذیرش منافع وجودی و حیاتی جمهوری اسلامی ایران توسط بازیگران محلی، همسایگان منطقه‌ای و بازیگران فرامنطقه‌ای بخصوص آمریکا چه تاثیری در گرایش سیاست خارجی به سمت و محوریت امنیتی داشته است؟ رویکرد منفی و غیرسازنده بازیگران فروملی و ملی و فراملی چه تاثیری در تداوم سیاست خارجی امنیت‌محور و غلبه دیدگاه امنیتی کلاسیک در ذهن نخبگان سیاسی و امنیتی کشور داشته است؟ و ... پاسخ به سوالات مزبور راستای تایید فرضیه تحقیق صورت می‌پذیرد.

۱- مفاهیم تئوریک

۱-۱- امنیت ملی در مطالعات سنتی

هرآنچه، بصورت عینی یا ذهنی، ارزش‌ها و منافع ملی یک کشور را تهدید کند. یا مانعی برای رسیدن به اهدافش باشد تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود. این تهدیدات ممکن است سخت، نیمه‌سخت یا نرم باشد. باتوجه به دو رویکرد مطالعات امنیت ملی، تهدیدات را نیز می‌توان براساس این دو رویکرد بررسی کرد. در رویکرد سنتی که تا چند دهه پیش رویکرد غالب و اصلی مطالعات امنیت ملی بود، تنها تهدیدات نظامی با خاستگاه خارجی اصلی‌ترین تهدید امنیت ملی محسوب می‌شد (بختیاری و صالح‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۶۴). مورگنتا و صاحبان مکتب کلاسیک در مطالعات امنیتی، امنیت را در عدم جنگ و صیانت از تمامیت سرزمینی و نهادهای سیاسی تعریف کرده‌اند (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۸). از لحاظ تاریخی امنیت بصورت یک ارزش نهایی و هدف غایی رفتار دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. برحسب سنت در سیاستگذاری‌های امنیتی کلاسیک در چهارچوب سیاست خارجی بیشتر روی بعد نظامی آن تاکید می‌شود (قوام، پیشین: ۳۵۹). معروف‌ترین و رایج‌ترین تعریف از مفهوم امنیت را سال‌ها پیش آرنولدولفرز در چهارچوب پارادایم واقع‌گرایی ارائه داده است. که در یک تعریف کلاسیک بشمار می‌رود به نظر وی امنیت بطور کلی از جمله امنیت ملی، عبارت است از نبود تهدیدها نسبت به ارزش‌های مکتسب و نبود ترس از آنکه این ارزش‌ها مورد تهدید قرار گیرد. دیوید بالودین، به جای عبارت نبود تهدیدها در تعریف ولفرز از عبارت احتمال آسیب زدن کم و نابودی ارزش‌های مکتسب را بکار می‌برد. چون کشورها در پاسخ به تهدیدهای نظامی خارجی سیاست بازدارندگی را اتخاذ می‌کنند که احتمال حمله خارجی کاهش یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). از منظر سنت-گرایان که بنیانگذار روش‌شناسی اثباتی در حوزه مطالعاتی‌اند، امنیت دارای جوهره نظامی است. برحسب سنت در تحلیل‌های گوناگون مربوط به امنیت در چهارچوب سیاست خارجی، بیشتر روی ابعاد نظامی تاکید می‌شود. و تحت این شرایط تهدیدات می‌توانند بصورت جنگ و تعارضات نشان داده شود. در سیاستگذاری‌های امنیتی کلاسیک راهبردهای نظامی متداول بوده است (عسکری حصن و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۶). امنیت ملی در معنی سنتی را می‌توان از اجماع حاصل از تعاریف متعدد اندیشمندان در حوزه امنیتی اینگونه تعریف

نمود، عدم وجود تهدید فیزیکی نسبت به مرزهای فوری کشور که البته از منظر موضوعی نیز بعد نظامی در این تعاریف برجسته است. عبارتی جامع تر مخرج مشترک تمامی تعارف اندیشمندان در سطح امنیت ملی سنتی توجه ویژه بر بعد امنیت نظامی و بطور مشخص ارتقا توان تسلیاتی است.

۱-۲- امنیت جویی و توسعه در سیاست خارجی

دولت‌ها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک و نیز تحت تاثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را به منظور تامین هدف‌ها و منافع ملی خویش بر می‌گزینند. در حقیقت جهت‌گیری‌ها ترجمه و تجلی منافع و اولویت‌بندی هدف‌های ملی هستند (قوام، پیشین: ۳۲۱). برای نیل به دو هدف سیاست خارجی یعنی امنیت و توسعه که از اولویت‌های نخست سیاست خارجی بشمار می‌روند (همان، ۳۵۳). امنیت ملی در معنای موسع آن اصلی کلیدی در شکل‌دهی به سیاست خارجی خواهد بود و کشورها سیاست خارجی خود را در خدمت امنیت ملی در مفهوم کلاسیک و سنتی آن قرار می‌دهند. منابع و امکانات خود را معطوف به بقاء می‌کنند. در نگاه سنتی و تک‌بعدی از امنیت مبتنی بر عدم تهدیدات نظامی و سرزمینی، مباحث اقتصاد و توسعه تنها تا جائیکه موارد و ابزارهای اساسی دستیابی به امنیت ملی را فراهم کنند اهمیت می‌یابند. بنابراین در سیاست خارجی نیز مسائل اقتصادی و توسعه تا جایی پیگیری می‌شود که در راستای هدف محدود و مشخص باشد (شاهپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹). مهمترین عامل که کشورها را به امنیت‌طلبی در سیاست خارجی وا می‌دارد. عدم اعتماد و اطمینان از انگیزه و نیت دیگران است. کشورها انگیزه و علاقه شدیدی به کسب قدرت دارند که عمدتاً برحسب مقدرات و توانایی‌های مادی نظامی و اقتصادی است و عالی‌ترین غایت سیاست خارجی تامین امنیت است (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۳۶). جایگاه دو بعد امنیت «نظامی» و توسعه «اقتصادی» بصورت موازی از اهداف سیاست خارجی کلاسیک محسوب می‌شود. همواره گرایش و تمایل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر محوریت امنیت‌محوری و امنیت‌جویی بوده است بدین معنا که بعد اقتصادی و توسعه محور در کنار بعد امنیتی در جایگاه دوم از ابعاد و اهداف سلسله مراتب سیاست خارجی ج.ا.ایران ایفای نقش می‌کند. حجم گسترده تهدیدات امنیتی تمرکز سیاست خارجی کشور را به سمت مسائلی نظیر امنیت نظامی، بازدارندگی دفاعی و مدرن‌سازی تسلیحات دفاعی هدایت کرده است.

۳- توازن امنیت و توسعه در سیاست خارجی سنتی و معنای امنیت جمهوری اسلامی ایران

دو وظیفه مهم و سنتی یک سیاست خارجی موفق برقراری تعادل بین رشد اقتصادی (تولید ثروت و رفاه برای شهروندان) و ایجاد امنیت (حفظ جان شهروندان و بقاء وجودی کشور) است. دولت ایران برآستی خواهان تنش‌زدایی و تقویت همکاری سیاسی-اقتصادی در منطقه و جهان برای رشد اقتصادی است. اما معمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که اصل رشد اقتصادی آن با اصل دیگر یعنی حفظ امنیت و بازدارندگی تهدیدها همانند تروریسم و تهدید مستقیم نظامی بیگانگان که اتفاقاً همگی از درون منطقه بر می‌خیزد. اغلب در تضاد قرار دارد. یک نگاه دقیق به تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که حفظ امنیت با تمامی امکانات موجود در شرایط بحران، بطور ذاتی در اولویت دولت‌ها قرار می‌گیرد. تمرکز اصلی تهدیدات اقتصادی و سیاسی-امنیتی در منطقه برای ایران، رژیم‌های دشمن و رقیب مثل ترامپ، نتانیاهو، بن‌سلمان، بن‌زاید و ... هستند. در این راستا دستگاه دیپلماسی وظیفه دارد تا افکار عمومی جامعه را از روندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی واقعی و جاری آگاه کرده و با برقراری نوعی تعادل بین «منبع و امکانات ملی» و «محدودیت‌های استراتژیک» یک دیپلماسی هوشمند را با هدف ایجاد نفوذ سیاسی، اقتصادی و ... تعریف و عملیاتی کند (برزگر، ۱۳۹۹). در این زمینه امنیت نظام و اولویت داشتن بقاء مهم‌ترین هدف سیاست خارجی کشور بطور اعم و سیاست خاورمیانه‌ای کشور بطور اخص می‌باشد. نظریات امنیت در سیاست خارجی موضوع امنیتی شدن اهداف اصلی در سیاست خارجی و اهمیت عامل امنیت‌ساز پذیرش اهداف امنیتی و اولویت بقاء را مورد بررسی قرار می‌دهد. تنهایی استراتژیک ایران پس از انقلاب در منطقه خاورمیانه اتخاذ رهیافت‌های حفاظتی با هدف حفظ نظام سیاسی از گزند تهدیدات خارجی را ضروری می‌کند. فضای امنیتی خاورمیانه و حضور رژیم‌های رادیکال عرب از یکسو، تهدیدات ایجاد شده از سوی آمریکا از سوی دیگر باعث شد تغییر رهیافت‌ها ممکن نباشد. در واقع محیط پیچیده امنیتی خاورمیانه موضوع همکاری اقتصادی را به سادگی ممکن نمی‌سازد (احمدی خوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۲-۹۱). دولت کشور و نظام سیاسی ضمن حفظ بقاء وجودی و استمرار حیات خود است که می‌تواند در مراحل بعد تفکرات و راهبردهای اقتصادی را طراحی و اجرا کند. جمهوری اسلامی ایران در محیطی با ژئوپلتیک خاص قرار دارد که وجود تهدیدات بسیار بیشتر از فرصت‌ها بصورت بالقوه و بالفعل هزینه‌های بسیار زیادی را برای کشور تحمیل می‌کنند. نخبگان سیاسی و امنیتی با نوعی اجبار استراتژیک در انتخاب مواجهه با اهداف امنیتی و اقتصادی قرار دارند به نوعی که همیشه مقابله و دفع تهدیدات در مرحله اول و ایجاد بازدارندگی فعال و همه‌جانبه در مرحله دوم با هدف افزایش ضریب امنیتی کشور همواره اولویت نخست سیاست خارجی بوده است. بدون تامین بقاء استراتژیک کشور و دفع تهدیدات علیه امنیت ملی، امکان پیگیری و کسب منابع اقتصادی و توسعه‌محور ضرورت دارد اما به اجبار دلیل تحمیل هزینه‌های امنیتی ناشی از تهدیدات پیش‌محل، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در اهمیت و جایگاه

رتبه دوم قرار می‌گیرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دکترین امنیتی تدافعی در راستای ایجاد بازدارندگی از تهدیدات بنا شده است در حال حاضر نیروهای امنیتی در دو جبهه مرزهای فوری و غیرفوری در مقابله و کنترل فعال هستند. اقدامات ناشی از دفع تهدیدات امنیتی هزینه زیادی را به کشور تحمیل کرده است که به اجبار سیاست خارجی کشور نیز جهت‌گیری امنیتی‌جویی به خود گرفته و در بلندمدت این رویکرد در سیاست خارجی نهادینه شده است. نتیجه این تحولات تمرکز هرچه بیشتر سیاست خارجی بر بعد امنیت‌محوری «بقاء وجودی کشور»، تقویت و تسلط انگاره‌های رئالیستی بر ذهنیت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاست خارجی کشور است.

۴- محیط امنیتی ج.ا.ایران و تداوم تهدیدات استراتژیک

خاورمیانه بی‌نظم است و در مواجهه با افزایش تعداد جنگ‌های داخلی، کشورهای شکست خورده و گروه‌های تروریستی که منطقه را به ستوه درآورده‌اند و راه‌حل برای ایجاد ثبات منطقه‌ای هنوز روشن نیست (usjid, 2017: 16). عامل جغرافیا یک عنصر مهم در روابط کشورها نقش‌آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان برآورد امنیت و منافع ملی امری غیرممکن است. موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران از حیث همسایگان و نیز منطقه‌ای که در آن واقع شده، تهدیدهای بالقوه و یا بالفعل مختلفی را در مقابل آن قرار می‌دهد. ایران در منطقه خاورمیانه واقع شده که یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق دنیا بشمار می‌آید. منطقه‌ای که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک آن و دخالت و رقابت قدرت‌های بزرگ همواره در معرض کشمکش و خشونت بوده است و نه تنها امیدی به بهبود وضعیت در کوتاه‌مدت نمی‌رود. بلکه برخی از تحلیل‌گران این احتمال را مطرح نموده‌اند که آینده این منطقه تاریک‌تر از گذشته خواهد بود (غفوری و داوند، ۱۳۹۳: ۹۰). محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران استثنایی‌ترین محیط امنیتی هم از بعد فرصت و هم از بعد تهدید در بین تمامی کشورهای جهان در کل تاریخ کشور است. همچنین این واقعیت غیرقابل انکار که تنها ابرقدرت موجود و اسرائیل یکی از اهداف اصلی خورد را مقابله به مثل «یا حتی نابودی» ایران قرار داده‌اند. تهدید و خطر را فوری و بی‌نظیر ساخته است. ایران در چنین شرایطی و در چنین محیط امنیتی به دلایلی فاقد متحد و هم‌پیمان استراتژیک است (امینیان، ۱۳۹۰: ۱۲). کشور ایران به دلیل واقع شدن در منطقه خاورمیانه با مخاطرات چالش‌ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود روبروست. عدم شکل‌گیری نظم امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی فراگیر در خاورمیانه با عوامل متعددی در ارتباط است. موقعیت ژئوپلیتیک و منابع عظیم نفت و گاز، تقویت حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی، فرقه‌ای و تروریسم، دولت‌های ضعیف و شکننده و عدم اعتماد بازیگران منطقه‌ای به یکدیگر حائز اهمیت است. بازیگران منطقه‌ای تضادهای هویتی و ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی ایران

داشتند. علت آن فرهنگ سیاسی متفاوت، گذشته تاریخی رقابتی و چالش‌های ژئوپلیتیکی بازیگران در فضای امنیت منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس است. جهت‌گیری بسیاری از کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه ماهیت محافظه‌کارانه داشته است. که نشان می‌دهد محافظه‌کاری بخشی از واقعیت‌های سیاسی-راهبردی کشورهای منطقه محسوب می‌شود. چنین نشانه‌ها و فرایندها، تضادهای امنیتی با ایران را بازتولید می‌کند (متقی، ۱۳۸۹: ۲۰). تاریخ نشان می‌دهد که ایران باتوجه به ویژگی‌های کشورهای همسایه نتوانسته با آنها ائتلاف کند. در مقایسه با ایران بسیاری از همسایگان در حقارت ژئوپلیتیک بسر می‌برند. عموم این کشورها به ایران بدبین هستند و در قالب‌های مختلف سیاسی به شوکت آن مقابله می‌کنند. بنابراین محیط فوری امنیت ملی ایران ناامن است و ایران باید هزینه‌های فراوانی را صرف تامین امنیت ملی و رفع تهدیدات و هویت ملی و سیاسی خود کند (زارعی و پیلتن، ۱۳۹۷: ۴۹۹). محیط پیرامونی ج.ا.ایران همواره حجم وسیعی از تهدیدات بالفعل و بالقوه را متوجه امنیت ملی کشور می‌کند به همین علت سیاست خارجی کشور براساس وجود نوعی خودیاری امنیتی و تنهایی استراتژیک تنظیم و طراحی شده است.

۵- رهیافت امنیت نظامی و بقاء دولت «نظام سیاسی» در سیاست خارجی ج.ا. ایران

در عصر دولت مدرن، دولت‌ها بایستی به امنیت ملی بهای زیادی بدهند و آنرا مورد پشتیبانی قرار دهند. منظور از امنیت ملی محافظت از شهروندان در برابر تهدیدات است. بنابراین، امنیت ملی بعنوان کارویژه دولت‌ها و بعنوان مسئله اصلی مورد توجه آنهاست. در نتیجه می‌توان گفت که امنیت ملی یکی از ارزش‌های بسیار اساسی در روابط بین‌الملل است. و دولت‌ها به قدرت نظامی بعنوان یک ضرورت توجه می‌کنند. که طبق آن دولت‌ها می‌توانند بقاء داشته باشند (ذاکریان، ۱۳۹۱: ۱۸). کنت والتز در شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل، امنیت را بالاترین هدف می‌داند و معتقد است که تنها اگر بقاء تضمین باشد. دولت‌ها می‌توانند اهداف دیگرشان مانند آرامش، منفعت و قدرت را تعقیب کنند (شاهپوری و دیگران، پیشین: ۱۳). امنیت نظام و اولویت داشتن بقاء آن مهمترین هدف سیاست خارجی کشور بطور اعم و سیاست خاورمیانه کشور بطور اخص می‌باشد. نظریات امنیت در سیاست خارجی موضوع امنیتی شدن اهداف اصلی در سیاست خارجی و اهمیت عامل امنیت‌ساز و همچنین نقش مخاطب در پذیرش اولویت این اهداف امنیتی و اولویت آن برای بقای کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند و اهمیت آن را پذیرفته‌اند. هدف حفظ نظام سیاسی از تهدیدات خارجی را ضروری نمود. فضای امنیتی خاورمیانه و حضور رژیم‌های رادیکال عرب از یکسو و تهدیدات آمریکا از سوی دیگر باعث شد تغییر رهیافت‌ها ممکن نباشد. در واقع محیط پیچیده امنیتی در خاورمیانه موضوع شکل‌گیری همکاری اقتصادی را ناممکن می‌سازد (احمدی خوی و دیگران، پیشین: ۹۲-۹۱). فوری‌ترین هدف کشورها در محیط فاقد قدرت مرکزی «آنارشیک» حفظ بقاء وجودی است بدین معنا که کشورها محور

سیاست خارجی خود را بر این اساس تنظیم می‌کنند. امنیت ملی یکی از وجوه مهم سیاست خارجی کلاسیک است که در آن حفظ و توسعه قدرت نظامی اهمیت بسیار زیادی دارد. به بیانی جامع‌تر امنیت نظامی مساوی با بقاء وجودی کشورها تعریف می‌شود. استمرار و پایداری استراتژی امنیت‌جویی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بدلیل وجود محذوریت‌های شدید در محیط ناامن پیرامونی همواره وجه غالب و مسلط در تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژیک بوده است.

۶- ژئوپلیتیک ناامن و گرایش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر محور امنیتی

پس از دهه ۱۹۹۰ تغییراتی در محیط ژئوپلیتیک رخ داد. بحران‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای تضادهای ژئوپلیتیکی جدید را ایجاد می‌کند. بخشی از این بحران‌ها و جدال‌های منطقه‌ای ناشی از گسترش رقابت قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای است. بنابراین آنچه بعنوان کمر بند شکننده از سوی کوهن مطرح شده را می‌توان نمادی از دگرگونی‌های محیطی دانست. در این ارتباط کشورهای خاورمیانه در مرکزیت کمر بند شکننده قرار دارند. از این‌رو به هر میزان که قدرت‌های بزرگ از توان تسلیحاتی و انگیزه مداخله‌گرایی بیشتر در این کمر بند و به نوعی ژئوپلیتیک گستر برخوردار شوند و موقعیت آنان با چالش‌های متنوع‌تری نیز خدشه‌دار می‌شود. از این‌رو یکی از الزام‌های آمادگی حداکثری برای مقابله با تهدیدات امنیتی احتمالی^{۳۵} منطقه‌ای رصد آرایش نظامی بازیگرانی است که دارای اصطکاک سیاسی و امنیتی با ایران هستند. روند تقابل و تهاجم آمریکا علیه ساختار جمهوری اسلامی ایران حول محور محدودسازی ساختار به اشکال گوناگون با هدف جلوگیری از افزایش نفوذ منطقه‌ای از طریق متهم‌سازی ایران بعنوان تهدید منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همواره مخاطرات امنیتی کشورمان را افزایش و مطلوبیت منطقه‌ای آنرا کاهش داده است (عسگرخانی و حق‌شناس، ۱۳۹۳). محیط ژئوپلیتیکی پیرامون جمهوری اسلامی بدلیل وجود هویت‌های متکثر و متعارض در منطقه خاورمیانه نسبت به گفتمان هویتی جمهوری اسلامی همواره بستر ساز زایش تهدیدات علیه شیعیان و جمهوری اسلامی ایران است. این شرایط خاص امنیتی هزینه زیادی را به کشور تحمیل کرده است و مبارزه با این تهدیدات از الزامات امنیت ملی کشور است (باقری‌زاده و عسگری، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۶). محیط راهبردی منطقه آسیای جنوب غربی نشان دهنده تهدیدات متعدد در پیش‌روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین علاوه بر تهدیدات مستقیم ناشی از سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بویژه ایالات متحده آمریکا، همراهی کشورهای منطقه با آمریکا و رقابت‌های این کشور با ایران بر سر دستیابی به جایگاه برتر منطقه تهدیدات زیادی را فراروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است (دهشیری و غفوری، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

۷- استمرار تهدیدات نظام سلطه علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شکست غرب در برابر تقابل با انقلاب اسلامی ایران رویکرد جدیدی را در منظومه معنایی نظام سلطه ایجاد نمود. این رویکرد که کنش گفتاری غرب بویژه آمریکا را صورت‌بندی کرده است. در تقابل با منش انقلاب اسلامی که برآمده از اسلام ناب محمدی (ص) است. نظام سلطه صورت‌بندی جدیدی را در کنار راهبرد نظامی در کانون و تمرکز خود قرار داده است. راهبرد آمریکا در گفتمان غیریت‌سازی جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده است. و تهدیدات جدی علیه کشورمان بکار گرفت. مرکز ثقل این راهبرد ارائه چهره از جمهوری اسلامی ایران بعنوان تهدید علیه صلح جهانی است. در این شیوه که سابقه استفاده از آن به اوایل انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. برژینسکی پایه‌گذار آن بود و نظریه فرصت‌سازی را محور قرار داد. او مدعی شد که انقلاب اسلامی بعنوان یک فرصت می‌تواند مورد توجه سیاستمداران آمریکایی قرار بگیرد. تا تهدید ایران را آنقدر بزرگنمایی کنند تا کشورهای عربی از دوست ما به نام اسرائیل به سمت تهدیدی به نام ایران معطوف شوند. در پی این نظریه بود که تصمیم‌سازان آمریکا این راهبرد را در دستور کاری خود قرار دادند. که اوج آن پس از دهه سوم انقلاب بر محور موضوعات هسته‌ای با هدف ایران‌هراسی و در ادامه سوق دادن آن به شیعه‌هراسی و درنهایت شیعه‌ستیزی به منصفه ظهور رسید. و منطقه غرب آسیا را در اولویت اهداف راهبردی خود قرار داد. تا از این طریق به محدودسازی قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه بپردازد. کینه و دشمنی آمریکا و نظام سلطه بصورت مستقیم و غیرمستقیم علیه منافع کشورمان در خصوص نابودی جمهوری اسلامی ایران بیانگر راهبرد جدید دشمن در منطقه غرب آسیا است (عباسی، ۱۳۹۷). ابرقدرت جهانی در رابطه با دشمن و رقیب دیرینه خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی سرانجام وارد مرحله تنش‌زدایی گردید. و از عمق عداوت‌ها کاست اما در مورد جمهوری اسلامی ایران حتی در دوره موسوم به «پسابرجام» هنوز هیچ تغییری احساس نمی‌شود. زیرا دولت آمریکا این مذاکرات را به مثابه اهرمی برای مهار و تضعیف توان هسته‌ای ایران و نه حل‌وفصل ریشه‌ای مشکلات می‌نگریست. لذا بلافاصله پس از نیل به اهداف خود در این زمینه ضمن استمرار مواضع ایران‌ستیزانه رفع فشارها را به امتیازدهی در سایر عرصه‌ها مانند فعالیت موشکی، سیاست‌های منطقه‌ای و ... منوط دانست. گرایش تغییر رژیم ایران بر این معنا استوار است که جمهوری اسلامی ایران کانون الهام‌بخش الگوی زندگی برای مسلمانان بوده است. لذا جهت از میان برداشتن تأثیرات وجودی الگوی مذکور باید نظام سیاسی ایران را سرنگون کرد. بررسی‌ها به روشنی نشان می‌دهد که آمریکاستیزی به خودی خود در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصالت ندارد. بلکه نتیجه رویکرد استکبارستیزی محسوب می‌شود. در نتیجه آمریکاستیزی فرعی بر راهبرد کلان‌تر استکبار ستیزی است که جهت‌گیری اصلی جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی را نشان می‌دهد (سعیدی، ۱۳۹۸).

۸- تهدیدات فرامنطقه‌ای

لایه سوم تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از نوع تهدیدات فرامنطقه‌ای هستند «آمریکا و ناتو» که در کنار تهدیدات منطقه‌ای و فروملی به حالت پیوستگی و هم‌افزایی تهدیدات و چالش‌های نوینی را علیه امنیت و بقاء راهبردی کشور ایجاد می‌کنند که اقدام فعال و موثر در برابر این حجم از تهدیدات هزینه زیادی را به کشور تحمیل کرده است و سیاست خارجی کشور را به سمت و سوی امنیت‌جویی راهبردی هدایت می‌کنند. قاعدتا نسبت توسعه و امنیت‌یابی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با توجه به هزینه‌هایی که خارج از مرزها بر کشور تحمیل می‌شوند تعادل و توازن طبیعی را از دست می‌دهد به این دلیل که حفظ بقاء و حیات وجودی کشور در رتبه بالاتر و فوری‌تری از توسعه قرار دارد. بر این اساس سیاست خارجی کشور به اجبار سمت و سوی امنیت‌جویی گرفته و با حساسیت بسیار زیاد امنیت‌جویی را طی ادوار گذشته حفظ و بازتعریف کرده است.

۸-۱- تهدیدات ناشی از حضور ناتو در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

حضور ناتو در خاورمیانه به معنای تغییر موازنه قوا در منطقه است. تهران توانسته نفوذ قابل توجهی نزد ملت‌های عرب پیدا کند. چنین وضعیتی کیفیت موازنه قوا را در منطقه به ضرر آمریکا تغییر داده بود. ورود ۳۷ ناتو به منطقه به آنها باری می‌رساند تا بار دیگر توازن و قدرت را در برابر ایران و متحدان آن تجمیع نمایند. بر این اساس ورود ناتو به خاورمیانه کیفیت موازنه را به نفع آمریکا و متحدان آن تغییر خواهد داد. روابط میان ایران از یکسو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر خصمانه است. روابط ایران با اروپا نیز همواره در چالش و تنش بوده است. مضافاً روابط ایران با کشورهای عربی صرف‌نظر از سوریه توأم با همکاری و رقابت است. با توجه به چنین زمینه‌ای احتمال برخورد میان ایران با هریک از اعضای نامبرده وجود دارد. در صورت ظهور بحران در روابط ایران و هریک از اعضای ناتو این سازمان به محلی برای هماهنگی تلاش‌ها و اعمال فشار بر ایران بدل خواهد گردید (شجاع، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۲۰۹). ناتو در حال حاضر در پیرامون مرزهای ایران عملاً حضور دارد و بر محیط امنیتی ایران تأثیرگذار است. طبیعی است که حضور ناتو در فضای جغرافیای اطراف ایران، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ناتو در تصمیم‌گیری‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای یافته است. حضور ناتو نه تنها دربردارنده ثبات و امنیت برای ایران نخواهد بود بلکه احتمالاً منابع ناامنی را در محیط امنیتی ایران تشدید می‌کند. با توجه به برنامه‌های ناتو جهت توسعه به شرق و نزدیک شدن به محیط امنیتی ایران حضور ناتو را می‌توان یک تهدید جدی برای ایران محسوب نمود. ایران مسائل بغرنج و پیچیده‌ای دارد که باید نسبت به حضور ناتو حساس بوده و تهدیدات ناشی از آن را بررسی کند و رهیافت‌های

مقابله با این تهدید را مورد ارزیابی قرار دهد (علایی، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۵۴). بررسی جغرافیای گسترش و حضور ناتو در خاورمیانه آسیای میانه و خلیج فارس و دریای عمان نشان می‌دهد که اقدامات و حوزه‌ها آشکار و پنهان این سازمان به اکثر کشورهای هم‌مرز جمهوری اسلامی ایران گسترش یافته و منافع و امنیت ملی کشورمان را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران بعنوان کشوری که منافع و امنیت ملی آن در گسترش ناتو در دهه ۹۰ مورد تهدید قرار گرفته است. حضور آشکار و پنهان ناتو و اعضای درجه یک آن در امتداد مرزهای ایران می‌باشند. که علاوه بر تنزیل نقش امنیتی کشورمان در منطقه، امنیت ملی، تمامیت ارضی و همبستگی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را با تهدیدها و مخاطرات جدی مواجه ساخته است. اینگونه به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین تهدیدات علیه منافع جمهوری اسلامی ایران در پرتو حضور ناتو به ارمنان آوردن تهدیدات گسترده که نگرانی‌های امنیتی و تنش در منطقه را افزایش داده است (الماسی و عزتی، ۱۳۸۸: ۸-۷). با این اقدامات باید تلاش‌های اخیر ناتو به رهبری آمریکا را برای حضور بیشتر در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را اضافه نمود. گسترش حضور ناتو در کشورهای اطراف ایران به حدی بوده است که عده‌ای از کارشناسان مسائل نظامی و امنیتی صحبت از محاصره ایران توسط ناتو نموده‌اند (شاهرودی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۸). در واقع گستردگی و روند روبه افزایش تهدیدات ناشی از حضور ناتو در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی کشور در مواجهه با کنترل این تهدیدات فوری را با نوعی معمای امنیتی در منطقه مواجهه کرده است و لاجرم ارتقا دکترین امنیت «دفاعی-بازدارندگی» در سیاست خارجی کشور اولویت ویژه‌ای پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ایران همواره با نهادهای بین‌المللی در راستای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و جهانی همکاری داشته است. نمونه موردی ارائه کمک به نیروهای ناتو به رهبری آمریکا در زمان حمله ناتو به گروه طالبان در افغانستان که این گروه تهدید وجودی علیه کشورمان بود. اما در پایان دولت بوش پسر جمهوری اسلامی ایران را در کنار کره شمالی و عراق بعنوان محور شرارت نامید. نتیجه رویکرد مطلوب و بهینه جمهوری اسلامی با محور کشورهای ناتو، رویکرد تخریب کننده و غیرسازنده ناتو با ج.ا.ایران بود که به نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به اهداف این سازمان را در ذهن نخبگان سیاسی-امنیتی کشور نهادینه کرده است که هدف ناتو ایجاد تهدیدات مداوم و درنهایت محاصره کشور است. رفتار نامطلوب و غیرسازنده سازمان ناتو پیرامون مرزهای فوری کشور باعث شده است که سیاست خارجی کشور نسبت به اقدامات ناتو با رویکرد امنیتی، عدم اعتماد و مقابله موثر پیگیری شود.

۸-۲- نهادهای شدن تحریم و تهدیدسازی علیه ایران در ساختار آمریکا با هدف تضعیف بقا

راهبردی کشور

بررسی فرآیند تعیین سیاست خارجی طراحی و تقویت تحریم و ارتقای ساختار اعمال فشار علیه ایران درون ساختار حاکمیت آمریکا فارغ از حضور افراد و رفت‌وآمدها دولت‌های مختلف اعم از دموکرات و جمهوری خواه فرآیند فزاینده‌ای از اعمال فشار علیه ایران به جریان افتاده و به تدریج گسترده و کامل شده این ترکیب سه ضلعی حالا بخش مهمی از سیاست خارجی آمریکا را تشکیل می‌دهد. و با دقت در دوران مختلف رشد آن «تحریم» هم تأیید کننده این وضعیت است. که حضور افراد تنها در کند شدن آن موثر بوده است و هیچگاه متوقف نشده و سرعت آن هم به صورت قابل توجهی کاهش یافته است. از دوران بوش فرآیند تدریجی تحریم جدید آمریکا علیه ایران آغاز شد. فرآیندی که با تشکیل کارگروهی در وزارت خزانه‌داری ساختار و قوام پیدا کرده است و بصورت سیستماتیک جزئی از تشکیلات اداری وزارت خزانه‌داری شد. هرچند تحریم‌های ایران قبل از زمان بوش هم وجود داشت و توسعه یافت. اما به واقع در دوران او بود که با ارتقای قابل توجهی بزرگتر و گسترده‌تر شد. دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ در سپتامبر ۲۰۰۱ برای تحریم بانک‌ها، افراد و نهادهای ایرانی به بهانه تروریسم اولین اقدام بود. که یکسال بعد دومین در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۲ قانون پیشگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران تکمیل و طی آن ممنوعیت کمک‌های آمریکا به آژانس انرژی اتمی برای برنامه‌های ^{۳۹} ایران متوقف شد. حدود سه سال بعد در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵ دستور اجرایی ۱۲۳۸۲ صادر و تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی علیه ایران اعمال شد. در ۳۰ سپتامبر ۱۰۰۶ قانون حمایت از آزادی ایران باعث تنوع بخشیدن به تحریم‌های ایران شد. در این میان اما مهمترین تحریم‌های آن دوران علیه ایران در نوامبر ۲۰۰۱ در پایان دولت جرج بوش اعمال شد و طی آن لغو گواهی NDAA برای ایران کلید خورد وزارت خزانه‌داری هم با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد مجوز مؤسسات عالی آمریکا برای انجام پروسه انتقال پول بصورت مستقیم و غیرمستقیم برای ایرانی‌ها و غیرایرانی‌ها لغو شد. در دوره اوباما اصلی‌ترین حوزه گسترش و تعمیق تحریم‌ها به حساب می‌آید. که بگونه‌ای کامل پیچیده به جزء رسمی و ارتقا یافته از ساختار قوانین آمریکا تبدیل شد. در دوره اوباما میزان تحریم ایران در وزارت خزانه‌داری بصورت جدی ارتقا یافت. ۱۲ مورد تحریم اساسی علیه ایران اعمال شد. در جولای ۲۰۱۲ با دستور اجرایی ۱۳۶۲۲۲ با محدودیت تراکنش‌ها مؤسسات مالی دنیا با شرکت نفت و شرکت ملی نفتکش و اجرای قانون ۱۸ CAATSA دسامبر ۲۰۱۵ قانون ویزا، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ تمدید قانون جامع تحریم‌های ایران، دوم آگوست ۲۰۱۷ قانون مهم و معروف مقابله با مخالفان آمریکا از طریق تحریم CAATSA که تحریم‌هایی مشابه گروه‌های تروریستی بر سپاه پاسداران تحمیل شد و دامنه تحریم‌های بانکی گسترده شد. بعد از خروج ترامپ از توافق هسته‌ای با کشورمان آمریکا فاز جدیدی از

تحریم‌ها را علیه کشورمان اعمال کرد. ترامپ و همراهانش ابزار این اقدام را سیاست‌های فشار حداکثری نامگذاری کردند و هدف از آن‌را فروپاشی اقتصادی امنیتی یا اعمال مذاکره جدید اعلام کردند. تاکنون هیچکدام از تحریم‌های امریکا علیه ایران لغو نشده بلکه بیشتر هم شده‌اند و به مرور بر شدت و ابعاد آنها افزوده شده است. جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر با بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ خود روبرو شده است. بطوریکه می‌توان از آن بعنوان جنگ اقتصادی نام برد که هدف این جنگ به زانو در آوردن یک کشور بدون توسل به حمله نظامی می‌باشد. هم اکنون بسیاری از همکاران امریکا شامل برخی همسایگان ایران ائتلافی غیررسمی تحت عنوان کشورهای همفکر به رهبری امریکا برای فشار به ایران تشکیل داده‌اند. در تحریم ایران تضعیف ایران در منطقه از دلایل پیوستن امریکا و متحدان بوده با هدف فشار بر جمهوری اسلامی ایران (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۴).

۸-۳- تهدیدات نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

در بخش تهدیدات نظامی حضور نیروهای نظامی امریکا در سطح منطقه خاورمیانه افزایش یافته است حضور نیروهای امریکایی در عراق در قالب توافق راهبردی دو کشور نهادینه شد. حضور گسترده نظامی در افغانستان و تلاش‌های اخیر برای بدست آوردن پایگاه‌های دائمی در این کشور و همچنین توافقی‌های متعدد با کشورهای آسیای میانه و قفقاز و کشورهای حاشیه خلیج فارس تنها بخش محدودی از برنامه‌های نظامی امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران است (شاهرودی و دیگران، پیشین: ۱۱۸). یکی از مهمترین عوامل تقویت کننده تهدید این کشور بر ضد جمهوری اسلامی ایران حضور قدرتمند نظامی و استراتژیک امریکا در منطقه پس از تسخیر عراق می‌باشد و این موضوع ضریب امنیت ملی کشور را به شدت افزایش می‌دهد که این امر به معنای افزایش تهدید امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران است (سهرابی، ۱۳۹۶: ۶۰). پایگاه‌های نظامی موجود در اطراف جمهوری اسلامی ایران بطور بالقوه می‌توانند امنیت ملی کشور را در معرض تهدید قرار دهند که در نتیجه این حضور حوزه راهبردی ایران تحت تاثیر آنها قرار خواهد گرفت. در صورت عملی شدن تهدیدات علیه ایران پایگاه‌های نظامی مهمترین ابزار اعمال تهدیدات از سوی امریکاست. این پایگاه‌ها در درجه نخست اعتباربخشی به تهدیدات بازدارنده از سوی امریکا علیه ایران است. پایگاه‌های نظامی امریکا تهدیدات متنوعی را متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند (صالحی و فرحبخش، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۱). جمهوری اسلامی ایران مقابله با تهدیدات فرامنطقه‌ای را جزء اصول اساسی و برنامه‌های کلان خود قرار داده است. شرایط جدید امنیتی در مرزهای شمالی و جنوبی ایران و حضور نیروهای نظامی امریکا و راهبرد امنیتی این کشور ... بدون تردید جمهوری اسلامی ایران راهبرد دفاعی امنیت خود را مناسب با عوامل تهدیدزا که امنیت ایران را تحت شعاع قرار می‌دهند بازتعریف می‌کند. حضور نیروهای امریکا در منطقه

خاورمیانه و آسیای مرکزی، گسترش ناتو در محیط پیرامونی ایران و توسعه پایگاه‌های نظامی آمریکا اطراف ایران بنحوی با امنیت ملی و منطقه‌ای ایران در ارتباط است (رستمی و صالحی کرتویجی، ۱۳۹۵: ۳۱). راهبرد جنگ پیشدستانه ایالات متحده و تهاجم نظامی به افغانستان و عراق را گرچه دو دشمن جمهوری اسلامی یعنی رژیم طالبان و رژیم بعثی عراق که یکی از مهمترین دشمنان استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را که پایه‌های آن بر مبنای ایدئولوژی ضدایرانی استوار گشته بود را سرنگون نمود ولی از سوی دیگر لشکرکشی آمریکا به منطقه خصم دیرین نظام جمهوری اسلامی را به نزدیکی مرزهای کشور کشانده و طبیعی است حلقه محاصره سیاسی و نظامی خود را در مناطق پیرامونی و همجوار ایران تکمیل و فشارهای روانی - سیاسی خود را بیشتر نماید. آمریکا همچنین در راستای راهبرد جدیدش و با توجه به حضور نظامی در اطراف مرزهای کشور، ایران را به اقدام نظامی تهدید نمود. بر همین اساس، مقامات آمریکایی به ویژه جناح موسوم به بازهای کاخ سفید بارها سخن از تهاجم نظامی علیه ایران به سخن آورده‌اند و حتی در چندین مرحله عملیات روانی و تبلیغات گسترده، زمانبندی حمله نظامی نیز توسط رسانه‌های نزدیک به دولت اعلام گردید. در این راستا به نظر می‌رسد که آمریکا ابتدا پروژه امنیتی کردن ایران را بعنوان مقدمه مداخله نظامی دنبال می‌کند. متهم کردن ایران تلاشی است تا افکار عمومی و قدرت‌های بزرگ جهان را متقاعد کند که ایران تهدیدی برای صلح و امنیت جهان است. اگر آمریکا بتواند پرونده امنیتی کردن ایران را به سرانجام برساند و ۴۱ جنبه حقوقی به آن بدهد و با عملیات روانی گسترده و دیگر ابزارهای در دست افکار عمومی را قانع نماید و یک اجماع فراگیر را هم علیه ایران شکل بدهد در اینصورت تهدید نظامی علیه ایران جدی تر خواهد شد. تلاش جهت امنیتی کردن و ایجاد اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه ارزیابی می‌شود (مومنی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۲-۱۸۱).

۸-۴- تحریم اقتصادی و فشار حداکثری آمریکا با هدف تضعیف بقاء راهبردی جمهوری اسلامی

ایران

مهمترین هدف آمریکا از اعمال تحریم‌ها فروپاشی نظام و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران بود و حداقل هدفی که دنبال می‌کرد این بود که بتواند اقتصاد کشور را با فروپاشی و اخلال مواجه کند (جهانگیری، ۱۳۹۸). از منظر سیاستمداران و نظامیان آمریکایی انقلاب اسلامی ایران مهمترین مانع بر سر راه سلطه آمریکا بر جهان ارزیابی می‌شود. بر همین اساس آمریکایی‌ها با هدف فرو ریختن یا وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به تغییر رفتار از طریق پذیرش مذاکره و حوزه‌های مختلف، جنگ ترکیبی و هوشمند را علیه ایران به راه انداخته‌اند. در این جنگ آمریکایی‌ها از طریق فشارهای اقتصادی، روانی و عملی به دنبال به آشوب کشاندن ایران و امنیتی کردن فضای کشور هستند. به نظر می‌رسد با خروج آمریکا از برجام راهبرد

جدید آمریکا جنگ اقتصادی علیه ایران است. تحریم‌های اقتصادی مدرن جدیدترین جنگ اقتصادی است که آمریکایی‌ها طراحی کرده‌اند. طرح‌های تحریمی جدید و در دست بررسی آمریکا علیه ایران که برخی از آنها طی چند دهه اخیر اجرایی شده بر چهار حوزه مهم شامل انسداد ذخایر ارزی، ممنوعیت فروش طلا به دولت و شهروندان ایرانی، تحریم کامل فروش نفت ایران، تحریم‌های تجاری مرتبط با پول رایج و صنایع و معادن تمرکز دارد. هریک از طرح‌های مورد بررسی یک یا چند موضوع از موارد فوق را در بر می‌گیرد که در راستای افزایش فشارها به دولت و مردم ایران در نظر گرفته شده است. وجه مشترک این تحریم‌ها این است که هدف تمام آنها وارد آوردن فشار هرچه بیشتر بر منابع ارزی ایران است (منظور و مصطفی‌پور، پیشین: ۳۳). به بیانی دقیق‌تر استراتژی آمریکا از اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف امنیتی صورت می‌پذیرد. بنحویکه شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ را علیه جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است. ج.ا.ایران با تصمیمات استراتژیک و اقدامات جامع در زمینه افزایش قدرت نظامی کشور، حضور فرامرزی و ایجاد حاشیه امن در ورای مرزهای فوری کشور منجر اقدام به ایجاد بازدارندگی برای حفظ امنیت کشور در مقابل تجاوز و حمله بیگانگان شده است. آمریکا از تحریم اقتصادی بعنوان حربه سیاسی در جهت فروپاشی اقتصادی استفاده می‌کند. با دو هدف اولاً: با فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم جمهوری اسلامی ایران توان حفظ و حمایت از نیروهای متحد در منطقه را از دست بدهد. در مرحله دوم فشار حداکثری ناشی از شرایط اقتصادی به شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی دامن بزند و در این صورت جمهوری اسلامی ایران به پای میز مذاکره برگردد یا تسلیم شروط دشمنانه و کینه‌توزانه آمریکا بشود. و یا در نهایت کشور به سمت فروپاشی اقتصادی پیش برود.

۴۲

۹- تهدیدات منطقه‌ای

بدلیل وجود تهدیدات منطقه‌ای، سیاست خارجی کشور ماهیتی دفاعی-امنیتی دارد. در بعد تهدیدات منطقه‌ای بر چهار بازیگر (رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان) بعنوان مهمترین بازیگرانی که همواره دارای تهدیدات بالقوه و بالفعل علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند تمرکز می‌شود.

۹-۱- تهدیدات ترکیه علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی ترکیه در سطح منطقه‌ای نسبت به ایران بازی با حاصل جمع صفر است. استراتژی ترکیه برای نفوذ در حوزه‌های منافع حیاتی ایران حول دو محور تدوین گردیده است. ۱- تلاش برای افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه در مناطق پیرامونی ایران نظیر آسیای مرکزی و قفقاز پس از فروپاشی شوروی و نیز نفوذ در خاورمیانه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات اخیر عرب. ۲- تلاش برای افزایش نفوذ

سیاسی و اقتصادی در داخل ایران از طریق ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن بعنوان نوعی اعمال قدرت علیه ایران (موسوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۲). جرقه اختلافات ایران و ترکیه زمانی آغاز شد که ترکیه اجازه داد آمریکا و اروپا در خاک این کشور سپر دفاع موشکی خود را نصب کنند. که این کار ترک‌ها برای جمهوری اسلامی ایران قابل هضم نبود. اما این سوریه و اتفاقات درون کشور مذکور بود که باعث شد کم‌کم روابط بین ایران و ترکیه به پایین‌ترین حد خود در چند سال گذشته برسد. بازی کردن ترک‌ها در پازل غرب و فشارها برای برکناری بشار اسد، تجهیز و آموزش مخالفان سوری و کمک‌های مالی و تجهیزاتی به آنها مسئله‌ای نبود که ایران از کنار آن به سادگی عبور کند. بنابراین یکی از محل‌های اختلاف ایران با ترکیه که به ویژه با شکل‌گیری تحولات جهان عرب بروز و ظهور بیشتری یافته است. همان رقابت دو نظام حکومتی ایران یعنی حکومت اسلامی و نظام حکومتی ترکیه است (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۴). به عبارتی دقیق‌تر سیاست خارجی ترکیه براساس عمق راهبردی احمد اغلو بیانگر این مهم است که ترکیه تحت حاکمیت اسلام‌گرایان همان اصول سابق گسترش نفوذ در خاورمیانه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، حفظ روابط با غرب و اولویت دادن به آن و تغییر جغرافیای سیاسی منطقه را برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تعقیب می‌کند. باتوجه به چنین اهدافی ترکیه برخلاف ایران از مخالفان بشار اسد در سوریه حمایت می‌کند و درصدد ارائه الگوی خود به جنبش‌های اسلامی در کشورهای عربی است و مهمتر اینکه با استقرار سپر دفاع موشکی غرب ۴۳ در خاک خود موافقت کرده است. هر سه این موضوع با دیدگاه‌های ایران در تضاد است. جمهوری اسلامی ایران بشار اسد را به دلیل حمایت از مقاومت از متحدان راهبردی خود می‌داند. مخالف تلاش‌های ترکیه برای مصادره انقلاب‌های عربی در راستای سیاست‌های غرب است و بالاخره استقرار سپر دفاع موشکی از نظر ایران راهکاری برای تنگ کردن حلقه محاصره علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی غرب بویژه آمریکا است. سیاست‌های اخیر ترکیه فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چالش اساسی ایجاد کرده است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). استراتژی ترکیه را می‌توان در سه بعد علیه امنیت ملی ایران تعریف کرد، عضویت ترکیه در ناتو به رسیدن ناتو به مرزهای ایران و نزدیک شدن سلاح‌های ناتو به مرزهای فوری ج.ا.ایران منجر شده است که به معنای ایجاد چالش شدید و جدی امنیتی است. در بعد منطقه‌ای نقش تخریب‌کننده و غیرسازنده ترکیه در روند صلح سوریه بعنوان حوزه راهبردی ایران هر روز با ابعادی شدیدتر و متعاقباً پیامدهای ناامنی گسترده‌تری برای سوریه ظاهر می‌شود. سیاست‌های نوع‌ثمنی‌گری و اخوانی دولتمردان حزب عدالت و توسعه در ترکیه به معنای ترویج تروریسم و سلفیگری در منطقه و بخصوص در سوریه است گروه‌های نظیر احرار شام یا جبهه النصره و ... مستقیماً خروجی رویکرد اخوانیسم ترکیه هستند. از طرفی نوع‌ثمنی‌گری شخص اردوغان کاهش حوزه نفوذ ایران در منطقه را با هدف انزوای حداکثری ایران دنبال می‌کند. که این روند منجر

به عدم اعتماد نخبگان سیاسی امنیتی ایران به اهداف ترکیه شده است. این عدم اعتماد منجر به شکل‌گیری و تسلط الگوی واقع‌گرایی در استراتژی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بطور خاص نسبت به اقدامات ضد امنیتی ترکیه شده است.

۹-۲- تهدیدات نظامی امنیتی- رژیم اشغالگر صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران

تل‌آویو در تلاش است با استفاده از اقداماتی نظیر سامانه‌های رادار گریز پیشرفته و پایگاه‌های استراق سمع در مجاورت مرز ایران، انجام فعالیت‌های جاسوسی و کسب آمادگی برای حملات ضربتی علیه ایران، موقعیت خود را در مقابل ایران ارتقا و در مقابل آسیب‌پذیری جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۵۷). بطور سنتی تهدیدهای نظامی در کانون نگرش کشورها قرار دارد. اهمیت تهدیدهای نظامی در آن است که این تهدیدها می‌تواند امنیت و بقاء کشورها را بطور اساسی به خطر اندازد. تهدیدهای نظامی اسرائیل هم می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت ملی ایران قلمداد شوند. از لحاظ تسلیحات هسته‌ای و تسلیحات متعارف، اسرائیل برترین قدرت نظامی در منطقه خاورمیانه و یکی از کشورهای پیشرفته دنیاست که به پشتیبانی‌های گسترده نظامی آمریکا نیز متکی است. بطور کلی در سال‌های اخیر عوامل تقویت‌کننده تهدید اسرائیل نسبت به امنیت ملی ایران افزوده شده است. از سوی دیگر یکی از اهداف اسرائیل از حیث نظامی و بازدارندگی هسته‌ای، ایران است از دید استراتژیست‌های اسرائیل در رویارویی با ایران چاره‌ای جزء اینکه بر الگوهای سنتی بازدارندگی هسته‌ای تکیه کند. بنابراین به لحاظ مسلح بودن اسرائیل به تسلیحات هسته‌ای این رژیم از لحاظ نظامی بطور بالقوه تهدید بزرگی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر این رژیم برای جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای به اقدامات مختلفی دست می‌یازد که این اقدامات خود می‌تواند بطور مستقل از ابعاد مختلف امنیت ملی کشور را تهدید کند (مقصودی، ۱۳۸۲: ۲۴۲). در واقع باید اذعان نمود برنامه اسرائیل در مقابل ایران موازنه و محدود کردن می‌باشد. به این معنا که با تکیه بر توانایی‌های خود در درجه اول در پی بازدارندگی و در ادامه در پی ایجاد بازدارندگی است. بطور تقریبی در یک دهه گذشته یکی از مهمترین و بزرگترین تاکتیک‌ها و مشغولیت‌های سیاست خارجی اسرائیل این بوده است که این رژیم راهی جزء حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای به ایران ندارد. بهر حال یکی از متغیرهای اصلی استراتژی امنیت ملی اسرائیل، حفظ برتری تسلیحاتی خود است. اما قابلیت‌های هسته‌ای اسرائیل نه تنها تهدیدی برای امنیت ملی ایران بلکه بر امنیت کل منطقه قلمداد می‌شود و این امر از سوی استراتژیست‌ها و صاحب‌نظران مختلف مورد تایید واقع شده است (محمودی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). از دیگر برنامه‌های اسرائیل در مقابل تهدید ایران، تلاش جهت تغییر رژیم در جمهوری اسلامی ایران است. چراکه معتقد است روی کار آمدن دولتی جدید در ایران بهترین راه برای مبارزه با فعالیت‌های

هسته‌ای این کشور است یعنی باید دولتی در ایران سرکار بیاید که قابل اعتمادتر بوده و با کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای هم موافقت کند. آنها حتی این مساله را یکی از اهداف تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی احتمالی می‌دانند که هدف حداقلی آن تاخیر در دستیابی به سلاح هسته‌ای و نابودی توان هسته‌ای و در حداکثری، بی‌ثبات‌سازی و تغییر حکومت است. در مواردی که تحریم با هدف سرنگونی باشد، تحریم متوجه زیرساخت‌ها است و اقدام نظامی در نهایت تیر خلاص است (برزگر و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۸۲-۱۸۱).

۹-۳- تهدیدات عربستان سعودی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

از نظر ریاض تهران یک دشمن بالقوه و بالفعل است. در واقع از نظر ریاض تهران یک تهدید ماندگار است. این بینش ایران فویبای ایران باعث شده تا در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای‌اش با دیگر کشورها ایران را یک تهدید منطقه‌ای و جهانی معرفی کند. پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی ریاض از همین بینش نشأت می‌گیرد. واقعیت این است که از نظر مقامات سعودی ایران علاوه بر آنکه دشمن ایدئولوژیکی مذهب، نظامی، سیاسی، امنیتی است یک دشمن‌نژادی هم هست. دوگانه‌سازی فارس-عرب از سوی ریاض برای تحمیل انزوای منطقه‌ای بر ایران و تشکیل جبهه‌های منطقه‌ای بر علیه ایران با رویکرد عرب محوری از مبانی سیاستگذاری تصمیم‌گیران سعودی در عرصه تقابل علیه ایران است. تحولات اخیر عربستان سعودی نشان می‌دهد که این کشور در تلاش است کارکردی محوری را با هدف مهار منطقه‌ای ج.ا.ایران از سوی آمریکا برعهده گیرد. این نقش بویژه با به قدرت رسیدن بن‌سلمان به ولیعهدی و نگرش‌های ضدایرانی وی تشدید شده است و امنیت ملی جمهوری اسلامی را بیش از پیش تهدید می‌کند. عربستان برای کسب جایگاه خود در منطقه راهبردی غرب آسیا برنامه‌ای نسبتاً قدیمی داشته و این امر را می‌توان در سازمان‌دهی «جماعت تبلیغی» که در دهه هشتاد و نود میلادی با ایدئولوژی جهاد و شهادت تحت نظر سرویس اطلاعاتی این کشور با ملیت عرب افغان صورت می‌پذیرد جستجو نمود. در حال حاضر نیز سازماندهی گروه‌های سلفی-تکفیری و حمایت‌های مالی و سیاسی از این گروه‌ها با راهبرد تصاعد بحران در منطقه در جریان است. که همه این موارد تهدیداتی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است. در شرایط کنونی به نظر می‌رسد عربستان با تمام توان و با استفاده از همه مولفه‌های سخت و نرم قدرت خود در برابر ایران صف‌آرایی نموده است. روایت اورشلیم پست در سال ۱۳۹۵ از مبارزه عربستان سعودی-اسرائیلی و چندین گروه کردی-عربی و بلوچ علیه تهران، اعلام سایت خبری-تحلیلی اسکای پرس از همکاری بارزانی با عربستان سعودی و اسرائیل علیه ایران و عراق، خبر فعالیت‌های مسلحانه گروه‌هایی همچون جیش‌العدل در بلوچستان، حزب دموکرات و کومله در کردستان از سوی العربیه و تلاش عربستان برای استفاده از منافقین و تلاش برای برافروختن آتش جنگ نیابتی در افغانستان در سایه ضعف دولت مرکزی و تلاش برای هژمونی بر اماکن مذهبی در کشورهایی چون

سودان، سوریه، پاکستان و افغانستان و در عین حال خریدهای کلان نظامی و همکاری نظامی-اطلاعاتی عربستان با کشورهایی چون رژیم اشغالگر قدس ... همگی بخشی از تهدیداتی هستند که از سوی عربستان مطرح‌اند (امیری مقدم و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۰-۲۸). عربستان به روش‌های گوناگون ضمن تحریک و حمایت از ترامپ در خروج از برجام و حمایت از تحریم‌ها در تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران نقشی مهم ایفا کرده است. براساس این رویکرد ریاض در کمک به امنیتی‌سازی ایران و همکاری با آمریکا در اعمال تحریم و فشار اقتصادی، امنیت ملی ایران را متاثر ساخته است. ریاض به خصوص در دوره بن‌سلمان به روش‌های مختلف در پی تقویت تهدیدات نظامی علیه ایران بوده است. تشویق آمریکا به تداوم حضور و افزایش اثرگذاری نظامی در منطقه از سوی ریاض با هدف حفظ اهرم‌ها و تهدیدات نظامی علیه ایران و متحدین منطقه‌ای آن مانند دولت سوریه و حزب‌الله لبنان زمینه‌ساز تقویت تهدیدات نظامی علیه ایران بوده است. در کنار این موضوع خریدهای تسلیحاتی گسترده عربستان می‌تواند به تدریج موازنه نظامی در منطقه را به ضرر ایران تغییر داده ظرفیت‌های نظامی و دفاعی ایران را متاثر سازد. اشاره ولیعهد سعودی محمدبن سلمان به کشاندن جنگ داخل ایران و تاکیدات انور عشقی بر تجزیه ایران نیز بیانگر ذهنیت و تمایلات مقامات سعودی برای ایجاد اشکال جدید از تهدیدات نظامی و امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا سرمایه-گذاری مقامات سعودی بر گروه‌های معارض و معاند جمهوری اسلامی ایران و حمایت از آنها، تصمیم سعودی- برای شکل‌دهی به این نوع تهدیدات را به خوبی نشان می‌دهد (اسدی، ۱۳۹۸: ۱۰۰-۹۹).

۹-۴- تهدیدات پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

کشور پاکستان از حیث تهدیدات ناشی از معضل گروه‌های افراط‌گرای اسلامی برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی دارد. باتوجه به شرایط موجود و نیز گستردگی مرز دو کشور ۹۸۷ کیلومتر به نظر می‌رسد تهدیدات امنیتی از سوی پاکستان برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر گسترش بیشتری یافته و در نتیجه هزینه‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص کنترل و مهار این تهدیدات افزایش می‌یابد (محمودی بلاگفشه و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۸۹). کشور پاکستان اولین و آخرین کشور مسلمان است که سلاح‌های هسته‌ای در اختیار دارد. امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز از این مورد بطور روزافزون تهدید می‌شود. انباشته شدن این سلاح‌ها هرچند برای ایران بصورت مستقیم تهدیدی نداشته است. اما با وجود عدم ثبات سیاسی پاکستان این هشدار وجود دارد. بخصوص گروه‌های تروریستی که در این کشور پرورش می‌یابند. مترصد فرصت مناسب هستند تا از این سلاح‌ها تحت عنوان جهاد علیه دیگران بکار ببرند. به این ترتیب این کشور در سال‌های اخیر، صنایع موشکی، هوایی و بطور کلی زرادخانه تسلیحاتی خود را افزایش داد و اقدام به آزمایشات متعدد کرده است. همه این تهدیدات بطور مستقیم امنیت ملی ایران را در معرض تهدید قرار داده

است و در آینده نیز ادامه خواهد داشت (صدری علی بالو و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۶). ظهور افراط‌گرایی خشن در پاکستان از طریق گروه‌های سلفی با گرایش‌های دیوبندی و وهابیت و ضدیت با شیعه و جمهوری اسلامی در کنار مرزهای این کشور می‌تواند بقای دولت را که به معنی کل یکپارچه است را با تهدید مواجه کند. شیوع تفکرات وهابی و سلفیگری در عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به وضوح مشاهده کرد (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۷-۱۱۶). با تضعیف کنترل دولت مرکزی این احتمال را بوجود می‌آورد که کنترل تسلیحات هسته‌ای پاکستان به دست عناصر افراطی به ویژه ایادی القاعده بیفتد که در آن صورت ایران با خطر بالقوه بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای مواجه خواهد شد. آنچه در مورد تهدیدات پاکستان علیه ایران صدق می‌کند تقریباً در سطوح مختلف قابل تعریف است. ۱- پاکستان همواره در اقدامات تخریب‌کننده و غیرسازنده عربستان سعودی علیه شیعیان و متحدان راهبردی ایران همراهی و همسویی داشته است. در سرکوب شیعیان بحرین بصورت مستقیم حضور داشته است، در یمن به همراه عربستان سعودی در تهاجم علیه نیروهای انصاراله و حوثی‌های این کشور مشارکت داشته است. در سوریه نیز بصورت غیرمستقیم در تجهیز و انتقال تسلیحات به تروریست‌ها بصورت غیرمستقیم عمل کرده است. ۲- ترویج و اشاعه تروریسم در سطح منطقه‌ای و استفاده از تروریسم بعنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی. ۳- تجاوزات پیوسته تروریست‌ها به مرزهای کشور ربودن و به شهادت رساندن مرزبانان ج.ا.ایران و مجدداً متواری شدن در خاک پاکستان، ... و درنهایت کشورمان با پاسخگویی غیرمسئولانه مقامات کشور پاکستان که مغایر با اصل حسن همجواری است مواجه می‌شود، با این ادعا که ایالت بلوچستان پاکستان بصورت فدرالیسم، خارج از توان و کنترل دولت مرکزی اداره می‌شود و دولت مرکزی بر این نیروها کنترل و اعمال قدرت ندارد.

۹-۵- تهدیدات داعش علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران «بعنوان نسل نوین تروریسم»

حضور گروه تروریستی تکفیری داعش در اطراف مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران تهدیدات امنیتی بسیاری را برای کشور به همراه دارد (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۰). ظهور داعش در افغانستان تهدیدات امنیتی ملی ایران در مرزهای شرقی خود و نیز تهدید منافع ایران در افغانستان را دوچندان کرده است. حرف داعش اینست که اولویت مقابله با درون است. هم باید در درون حوزه فردی خود، پالایش صورت گیرد و هم در جامعه پیرامون پالایش صورت پذیرد. به همین دلیل داعش به لحاظ ایدئولوژیک ماهیت مقابله‌انگارانه با شیعیان، ایران و متحدانش دارد. در واقع ایدئولوژی داعش با غیریت‌سازی ایران و سایر قرائت‌های اسلامی مخالف به جای غیریت‌سازی غرب و اسرائیل نشان داد که بطور عمده ضدشیعی و ضداسلامی است تا ضدغربی (رضایی و موسوی جشنی، ۱۳۹۶: ۱۵۳). تهدید فرسایشی و تضعیف عمق استراتژیک ایران در سطح منطقه و یا در واقع تلاش برای محدودسازی قدرت ژئوپلیتیک ایران است که هم اکنون در سوریه عراق لبنان در فاز

عملیاتی قرار دارد و در حال بالفعل شدن است. این تهدید از دو مفهوم شکاف شیعه-سنی تغذیه می‌کند و هدف آن تضعیف بعد فراملی و منطقه‌ای قدرت جمهوری اسلامی ایران و محصور کردن به مرزهای ایران است (پورسعید، ۱۳۹۴: ۴۲). رهبران داعش مکرر شیعیان را هدف حملات خود قرار داده‌اند. امیر داعش شیعیان را مرتد می‌داند و از همه مردان و مسلمانان می‌خواهد در جهاد برضد رافضی‌ها مشارکت کنند (ذولفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۶). ورود داعش و محوریت قرار گرفتن سوریه بعنوان یکی از اهداف این گروه تروریستی-تکفیری باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران با حساسیت بیشتری بحران سوریه را دنبال کند. بنابراین داعش بعنوان متغیری مهم باعث تقویت مجدد گرایش‌های امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است. ظهور داعش که مستظهر برخی کشورهای منطقه، بخشی از غرب و صهیونیسم بین‌الملل است تهدیدهایی متعددی برای ایران در حوزه امنیتی، گفتمانی و ایدئولوژیک به وجود آورده است. هژمونیک شدن گفتمان داعش نوعی تهدید وجودی برای گفتمان جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، هژمونیک شدن داعش در همسایگی ایران نه تنها جمهوری اسلامی ایران را به لحاظ گفتمانی تهدید خواهد کرد. بلکه از لحاظ نظامی نیز امنیت ملی ایران را به مخاطره خواهد انداخت (رضایی و موسوی جشنی، پیشین: ۱۶۸). در واقع گروه تروریستی-تکفیری داعش برعکس پیشینیان خود مانند القاعده که مبارزه با دشمن دور را هدف اصلی خود می‌دانستند، مبارزه با شدن نزدیک «شیعیان» را هدف اصلی و فوری خود قلمداد می‌کنند. این تفکر ددمنشانه و ستیزه‌جویانه ضد جمهوری اسلامی ایران و شیعیان منجر به امنیتی شدن و حساسیت هرچه بیشتر سیاست خارجی کشور نسبت به حضور تروریسم داعش در کشورهای همسایه است. استراتژی حضور فرامرزی و افزایش ضریب امنیتی کشور در راستای دفع این تهدیدات صورت می‌گیرد.

۴۸

نتیجه‌گیری

در رویکرد امنیتی تهدیدمحور آنچه اهمیت دارد آنست که سابقاً عملکرد قدرت‌های جهانی در ناامن کردن منطقه بویژه ایران همچنان در ذهن باقی است و همین امر تهدید همیشگی برای ایران و نظام حاکم بر آن است. باوجود این نوع نگاه، اطمینانی برای انجام مذاکره‌های اقتصادی نخواهد ماند. عدم حل این معضل و نیافتن پاسخ مناسب خود مانع دیگری بر سر راه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین مهمترین عامل موثر در جایگزینی رویکرد اقتصادی در مناسبات خارجی تغییر بینش نخبگان سیاسی و نهادهای سیاستگذاری کشور در بعد کلان است. در شرایط کنونی نظام جهانی درک واقعیات بین‌الملل سیاستگذاری و تصمیم‌سازی براساس شرایط و امکانات موجود اولین گام برای حیات سیاسی و اقتصادی کشورهاست. همین مساله می‌تواند در بلندمدت خود منشاء معماهای امنیتی جدید و تقویت ذهنیت و محیط

تهدید محور سیاست خارجی شود. امری که مغایر با بسترهای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. تمامی کشورها به دلایلی که از نوعی اجبار استراتژیک تبعیت می‌کند نیاز دارند با تنظیم سیاست خارجی هوشمندانه و مبتنی بر عقلانیت با تهدیدات و فرصت‌های بیرون از مرزها یا محیط خارجی روبرو شوند و در راستای کسب و حفظ منافع راهبردی کشورشان گام بردارند. در این رابطه مهمترین و فوری‌ترین هدف سیاست خارجی کشورها حفظ بقاء وجودی است جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده استراتژیک مستثنی نیست. قرار گرفتن ج.ا.ایران در منطقه پرتنش غرب آسیا و داشتن همسایگانی که عموماً دارای تعارضات مذهبی، قومی، نژادی و هویتی با ایران هستند سیاست خارجی کشور را با نوعی معمای امنیتی و غربت استراتژیک روبرو کرده است. وجود این اختلافات باعث شده است تا جمهوری اسلامی ایران در هیچ اتحاد و ائتلاف پایدار امنیتی در منطقه حضور نداشته باشد و به تبع بصورت انفرادی به تامین امنیت و مقابله با تهدیدات استراتژیک در محیط پیرامونی ایفای نقش کند. و براین مبنا چهارچوب سیاست خارجی کشور را تنظیم و سازماندهی کرده است. اصولاً سیاست خارجی کلاسیک دو هدف اساسی را دنبال می‌کند. توازن بین دو مقوله امنیت و توسعه بدین معنا که بصورت دوسویه و موازی دنبال می‌شود. جمهوری اسلامی ایران بدلیل وجود تهدیدات استراتژیک محیطی و غیرمحیطی در حوزه پیرامونی به نوعی با استراتژی تحمیل شده ناشی از حجم تهدیدات وسیع و سه سطحی روبروست. اکثر کشورهای همسایه از حکمرانی مطلوب و بهینه ۴۹ ناتوان هستند و جزء دولت‌های شکست خورده یا شکننده می‌باشند. که این ضعف در حکمرانی اجازه ایجاد خرده هویت‌های محلی را می‌دهد که البته در سطح جهانی به جذب نیرو اقدام می‌کنند. همانند سازمان القاعده، طالبان و داعش که این گروه‌ها تضاد ایدئولوژیک و لاینحل با ماهیت جمهوری اسلامی ایران دارند و تماماً از بدو تشکیل هدف اولیه و فوری خود را مبارزه و کشتار شیعیان تعریف کرده‌اند که البته گروه تروریستی تکفیری-داعش بمراتب تهدید فوری‌تری نسبت به سایر گروه‌های تروریستی برضد ایران محسوب می‌شود چون گروه تروریستی-تکفیری داعش بعنوان نسل نوین تروریستی هدف اصلی و فوری خود را کشتار شیعیان می‌داند که در عمل نیز به جنایات هولناکی علیه شیعیان در افغانستان، سوریه و عراق دست زده است. در سطح منطقه‌ای کشورهایی هستند که به دلایلی تاریخی و سیاسی همواره بدنبال تضعیف و تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند که گروهی از این کشورها تهدیدات بالفعل و فوری‌تری هستند همانند پاکستان که در دو سطح نظامی و محیطی بر ضد ایران عمل می‌کند. رژیم اشغالگر صهیونیستی در سطح نظامی و متحدان منطقه‌ای ج.ا. ایران را پیوسته تهدید می‌کند. ترکیه تحت دکتورانه نوحمانی‌گری و اخوانیسم اقدام به تهدید عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در غرب کشور می‌کند. و عربستان سعودی که نقش تخریب کننده برضد جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند و همواره بر دشمنی و رفتارهای ضدايران

و شیعیان عمل می‌کند. تهدیدات این کشور نسبت به تهدیدات دیگر همسایگان دارای حجم گسترده‌تر و فوری‌تر می‌باشد. تهدیداتی از نوع استراتژیک و امنیت‌زدا که در کوتاه مدت و حتی میان مدت کاهش پیدا نمی‌کنند. چون مسائل امنیتی و پیچیده در کوتاه مدت قابل حل نیستند. تهدیدات از نوع حضور بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ناتو در همسایگی کشور، حجم وسیعی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در اطراف کشور که بنحوی به دنبال محاصره کشور هستند. تلاش آمریکا برای امنیتی‌سازی کردن کشور و معرفی ج.ا.ایران بعنوان عنصر نامطلوب، فروش تسلیحات بسیار زیاد با این بهانه به کشورهای خلیج فارس و تغییر موازنه قدرت در بلند مدت به ضرر ج.ا.ایران در منطقه از تهدیدات ناشی از رویکرد محور غربی با همکاری محور عربی علیه امنیت ملی کشور است. ج.ا.ایران با توجه جدی بودن تهدیدات به نوعی اجبار آمیز باید سیاست خارجی کشور را در چهارچوب تامین امنیت بلندمدت و پایدار تنظیم و طراحی کند. منافع ملی و امنیت ملی را بصورت انفرادی در محیط ناامن منطقه‌ای تامین کند. در این شرایط بعد توسعه محوری نسبت به امنیت محوری از اولویت کمتری برخوردار می‌شود و نخبگان سیاسی امنیتی کشور براساس منطق اقتضائات و محذوریتهای محیطی بقاء راهبردی کشور را در صدر سیاست خارجی قرار می‌دهند. استراتژی‌های بازدارندگی دفاعی-امنیتی، توسعه توان موشکی و حضور فرامرزی در این راستا قابل توجیه و بررسی است.

دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها، مراکز آکادمیک و مطالعاتی باید جامعه را نسبت به شرایط ناپایدار پیرامونی آگاه و مطلع سازند. نوع و میزان تهدیدات در محیط بلافصل امنیتی در ورای مرزهای کشور را شناسایی کنند. اجبار استراتژیک و ضرورت مقابله موثر با تهدیدات را بازتعریف و شفاف‌سازی کنند که تهدیدات فیزیکی و نظامی جدی و اساسی از نوع بلندمدت و سه سطحی علیه کشور وجود دارند. در نهایت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدلیل تهدیدات سه سطحی که ذکر شد ماهیت و گرایش امنیت‌طلبی پیدا کرده است و متعاقباً حفظ امنیت و بقاء ملی نسبت به مقوله توسعه و اقتصاد در راس اهداف سیاست خارجی قرار دارند. از طرفی مقابله با این حجم از تهدیدات گسترده امنیتی میزان زیادی از توان کشور برای انجام اقدامات اقتصادی و توسعه محور را سلب می‌کند و بیشتر توان سیاست خارجی معطوف به دفع معضلات امنیتی و مقابله موثر با آنها می‌شود.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- احمدی خوی، امیررضا و دیگران (۱۳۹۷)، «آرمان‌گرایی راهبردی و عمل‌گرایی تاکتیکی در سیاست خارجی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۱۴، ش ۱.
- ۲- احمدیان، قدرت و دیگران (۱۳۹۵)، «هویت و سیاست خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه در سوریه»، فصلنامه سیاست جهانی، ش ۱۸.
- ۳- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، «نقش عربستان سعودی در امنیتی‌سازی ایران: راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، س ۲۲، ش ۳.
- ۴- الماسی، مسعود و عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۸)، «گسترش ناتو به شرق و منافع ملی ایران»، فصلنامه جغرافیای سرزمین، س ۶، ش ۲۴.
- ۵- امیدی، علی و خیری، مصطفی (۱۳۹۵)، «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۹، ش ۷۳.
- ۶- امیری مقدم، رضا و دیگران (۱۳۹۸)، «سناریوی تهدیدات امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، فصلنامه امنیت ملی، س ۹، ش ۳۲.
- ۷- امینیان، بهادر (۱۳۹۰)، «محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۴، ش ۱۳.
- ۸- باقری‌زاده، علی و عسکری حصن، شهرام (۱۳۹۸)، «حضور داعش در افغانستان: تهدیدی بر امنیت ملی ج.ا.ایران (با تاکید بر ژئوپلیتیک انتقادی و نسل نوین تروریسم)»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره ۴، ش ۴۶.
- ۹- بختیاری، حسن و صالح‌نیا، علی (۱۳۹۷)، «اولویت‌بندی تهدیدات امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، ش ۲۷.
- ۱۰- برزگر، کیهان و قاسمی، مهدی (۱۳۹۲)، «استراتژی تهدید وجودی اسرائیل امنیت ملی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، س ۵، ش ۱.
- ۱۱- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۲۱، ش ۴.
- ۱۲- برزگر، کیهان (۱۳۹۹)، «دیپلماسی هوشمند»، <http://www.cmess.ir/peage/view/2020-05-2/4548>
- ۱۳- پورسعید، فروزان (۱۳۹۴)، «تهدید داعش بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اصول راهنمای مقابله با آن»، فصلنامه دیده‌بان امنیت ملی، ش ۴۵.
- ۱۴- جهانگیری، اسحاق، (۱۳۹۸)، «مهمترین هدف آمریکا از اعمال تحریم‌ها فروپاشی نظام است» <http://www.khabaronline.ir>

- ۱۵- دهشیری، محمدرضا و غفوری، مجتبی (۱۳۹۴)، «الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه جدید»، **فصلنامه سیاست‌های راهبردی**، س ۳، ش ۱۲.
- ۱۶- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، «نواقعی‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، س ۲۶، ش ۱.
- ۱۷- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵)، **کلیات روابط بین‌الملل**، چ ۱، تهران: نشر مخاطب.
- ۱۸- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چ ۴، تهران: نشر سمت.
- ۱۹- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۱)، **درآمدی بر روابط بین‌الملل**، چ ۴، تهران: نشر میزان.
- ۲۰- ذولفقاری، مهدی و عمرانی، ابوذر (۱۳۹۶)، «تاثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، س ۷، ش ۲.
- ۲۱- رستمی، فرزاد و مداحی گرتویچی، مجتبی (۱۳۹۵)، «راهبرد آمریکا و گرایش ایران به شانگهای»، **فصلنامه روابط خارجی**، س ۳۱.
- ۲۲- رضایی، رضا و موسوی جشنی، سیدصدرالدین (۱۳۹۶)، «ظهور داعش و تاثیرات آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های بوجود آمده برای ایران»، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۵، ش ۲.
- ۲۳- رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، «تهدیدات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ش ۶.
- ۲۴- زارعی، بهادر و پیلین، فرزاد (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل واقع‌گرایی ایرانی از منظر جغرافیایی سیاسی-ژئوپلتیک»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۵۰، ش ۲.
- ۲۵- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۸)، «منطق دشمنی آمریکا و ایران»، <http://www.tn.ai/2134113/>
- ۲۶- سهرابی، محمد (۱۳۹۶)، «تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، س ۱۰، ش ۳۸.
- ۲۷- شاهپوری، مهدی و دیگران (۱۳۹۶)، «نسبت امنیت و توسعه: الزامات سیاست خارجی»، **فصلنامه امنیت**، س ۲۰، ش ۲.
- ۲۸- شاهرودی، مصطفی (۱۳۹۸)، «تبیین سناریوهای تهدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آینده-پژوهی**، ش ۱۴.
- ۲۹- شجاع، مرتضی (۱۳۸۸)، «بررسی اهداف و آثار ناتو در خاورمیانه: باتاکید بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، ش ۴.
- ۳۰- صالحی، سیدجواد و فرحبخش، عباس (۱۳۹۶)، «پایگاه‌سازی نظامی در غرب آسیا (خاورمیانه) و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست و دفاعی**، س ۲۴.

- ۳۱- صدری، علی و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران از جانب پاکستان»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، س ۲، ش ۸۹.
- ۳۲- عالیشاهی، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی دلایل حضور گروهک تروریستی-تکفیری داعش در افغانستان براساس تئوری دومینو ویلیان بولیت»، **فصلنامه ژئوپلتیک**، س ۱۳، ش ۱.
- ۳۳- عباسزاده، هادی و کرمی، کامران (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، س ۱۴، ش ۱.
- ۳۴- عباسی، محمدباقر (۱۳۹۷)، «تهدیدهای نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران»، **خبرگزاری بصیرت**.
- ۳۵- عسکرخانی، ابومحمد و حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۳)، «تهدیدات منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **خبرگزاری بصیرت**.
- ۳۶- علایی، حسین (۱۳۸۸)، «تأثیر پیمان ناتو بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه انجمن جغرافیا ایران**، س ۷، ش ۲۳.
- ۳۷- غفوری، محمود و داوند، محمد (۱۳۹۳)، «تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، دوره ۶، ش ۱۸.
- ۳۸- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۰)، **روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها**، چ ۵، تهران: نشر سمت.
- ۳۹- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۲)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، چ ۱۹، تهران: نشر میزان.
- ۴۰- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آفاق امنیت**، س ۳، ش ۸.
- ۴۱- محمودی بلاگفشه، محمد و دیگران (۱۳۹۸)، «الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم»، **فصلنامه جغرافیای نو در جغرافیای انسانی**، س ۱۲، ش ۱.
- ۴۲- محمودی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۳)، «امنیت ملی اسرائیل و استراتژی تهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، ش ۲۷، ماره ۲۷.
- ۴۳- مسعودنیا، حسین و نجفی، داوود (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدات امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آفاق امنیت**، س ۴، ش ۱۳.
- ۴۴- مسعودنیا، مسعود و دیگران (۱۳۹۶)، «تبیین تهدیدات تکفیریون پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دو بعد کلان سخت و نرم»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، س ۶، ش ۲۱.
- ۴۵- موسوی، سیدحافظ و دیگران (۱۳۹۵)، «تأثیر تحولات عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه»، **فصلنامه ژئوپلتیک**، دوره ۱۲، ش ۴۱.

- ۴۶- مومنی، اسکندر و دیگران (۱۳۹۰)، «امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تغییرات راهبرد امنیتی آمریکا»، فصلنامه دانش انتظامی، س ۱۳، ش ۲.
- ۴۷- منظور، داوود و مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۲)، «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های اقتصادی، س ۱، ش ۲.

لاتین:

48- Usjid.u, hameed (2017), The Saudi-iranian rivalry, print 16-34: A foreign policy anlysis approach, spring 2017, towson university journal of international affairs, p16-34.

